



زبان فارسی و زبان شاسان شوروی

مبارز راجح شکسته هنر چه بیفکند؟

هنگامی که زبان شاسان شوروی را می بینیم... (Text continues with analysis of Persian and Russian language influences)

در این زبان فارسی و روسی... (Text continues with linguistic observations)

میکو - یکی از مفسران... (Text continues with commentary on language and culture)

میکو - یکی از مفسران... (Text continues with commentary on language and culture)

عقیم شدن نقش رومل

نباران مراکز و کتبیهای محور ادامه دارد

فاهره - غیر کمترین سرگرازان... (Text discusses military and political movements)

فاهره - غیر کمترین سرگرازان... (Text continues with military analysis)

فراپها راه دشمن را سد کرد دادند

در لاجه و روزی حالات آلمان در هم شکست

ناتلک دشمن را اولر اعلاجه... (Text reports on German military setbacks)

ناتلک دشمن را اولر اعلاجه... (Text continues with military reports)

غرق چهار کشتی حمل و نقل و دو ناوشکن آلمان

نبرد ایتالیا مراد در واقع نظامی بیساخته است

فکسکو - هالندیک مبریک... (Text reports on the sinking of German ships)

فکسکو - هالندیک مبریک... (Text continues with details of the sinking)

فکسکو - هالندیک مبریک... (Text continues with details of the sinking)

فکسکو - هالندیک مبریک... (Text continues with details of the sinking)

فکسکو - هالندیک مبریک... (Text continues with details of the sinking)

Vertical text on the far left edge of the page, likely a page number or date.

### یادداشت‌های زمان

داستان گل - ۲۲ -

حیات این همه قطعیست  
 بو که تصور شده هر چه در نتیجه  
 از قبل فانی، بیشتر مورد ترس قرار  
 میگردد خشکتر شده با درخت و ذات  
 بویژه میگردد تا آنجا که حرکت  
 ستم‌بان زمان را بر طبق محسوس  
 سنی آمو کرده و این رویه آن  
 که از رویه‌های پیش از آشنایی بود  
 از همه با برش از جنس زمان  
 گشت شده و آهنگار جاسوسی او  
 گشای صفت مورد خصومت ایشان  
 بوده و داشته و از آن جوسوسان  
 یکی مردی در نام آرزومانی که  
 محسوس سیاسی از دست او جان  
 نمانده بود شرفی زنده کلی از او  
 بیان قسمی را آرزومانی گوشای  
 سخن داد که با آهنگار مشجر مجرد  
 رفت و مصیبت کشیدن او شد غم‌ز  
 برمی از این اشخاص بود که هر  
 روزی از این حراج میانه‌ها گشتا روحان  
 زان بر علیه هم می‌جرح می‌نمود معانی  
 میگفتند و در این حالت پیش از آن  
 بر می‌آمد که میان محسوس میگردد  
 آنگاه که گشت با هم‌طور یکی از آن  
 مگام آزادی در روزنامه خود راست  
 و دروغ می‌نویسید و با او داشت و از پشت  
 دست محسوس خود آهنگار می‌نمود  
 و نقلی از او می‌آید و در این حواشی  
 آهنگار گشت و با بنویسند خواننده  
 برای گویند افراش فلا محسوس  
 برود تا نسکین بود

### استا خانویم چیست؟

علل ایجادش - ۳۰ -

ملت حقیقی بندهایش آن این بود  
 که مصداق حقیقی و اقتصادی شوروی  
 شرایط را در درداشت که ایجاد چنین  
 پستی را ایجاد می‌نمودند زیرا اسلام است  
 مکتبیکه معنی اسم از اینک در تربیت  
 باشد با فراوانی و صوم آتری و آرام  
 ساید آن آرزو و فرما مطابق قوانین  
 ضمنی یا اجتماعی وجود خواهد شد  
 و هیچ‌سای جلو پیشای ویرا ستوانه  
 بگرد حال به بینم غلی که ایجاد  
 چنین پستی را باعث شد چه بود  
 در حقیقت چهار عامل اساسی را در  
 این باره متوجه ذکر کردیم  
 ۱- در نتیجه رژیم سوسیالیستی  
 وضعیت زندگی کارگران در کشور  
 شوروی بهبود یافت و کارگران برای  
 کار خود حقوق می‌گرفتند و دولت که  
 مورد طرفدار مأمور آن است به ساعت  
 حای برای آن‌ها نال است و ساعت  
 کار به معادل غلب یافته و در هر سال  
 مرتب با استانه از حقوق و وسائل  
 ترحیم در دسترس آنان گذارده می‌شود  
 و هیچ‌سای از این رفاه بران و دیگری  
 و غیره باعث رضایت و شغوفی کار  
 گران از وضعیت خود بوده و آچار  
 سبب نگردد عداوت و دگرگونی  
 است و همین دگرگونی یکی از علل  
 مهم ایجاد چنین پستی بوده است  
 ۲- کارگران دولت خود اعتماد  
 دارند و عداوتی که گزری را که انجام  
 می‌دهند بعد و دشمن است و هیچکس  
 بر آن‌ها اعتماد نسکین و این موضوع  
 بر پیش و صاحب‌دگر می‌آید متناهی  
 کار در اشخاصی است و به احتمال  
 دولت شوروی دارای دستگاه مأمور  
 صاحب نسکین گردیده و این صورت  
 یک کشور کشاورزی حاشیه بی‌تسلیمت  
 معنی نمیدانند و صورت چنین حالت  
 و نسکین هالی یکی از شرایط ایجاد  
 این پست بوده است  
 ۳- تراجیح سی و کوشش دولت  
 و اجرای شده‌ای روی همه گشای از  
 کارگران مخصوص و با این ایجاد  
 بود و گشای در صحنی حد لازم  
 وجود داشته اینهم از شرایط بود که  
 پیشای کارگران مانده استاضاف و  
 نسکین شکه خبر مسامت

### سقوط باستیل

ترجمه: ناصر و لولی - ۳۱ -

تاریخ این مشاهده میشود که اگر  
 چه خود نیست استاضاوسیم خود  
 و بیعت خود قلی و نسیم دولت  
 بچهره آمد و دولت اولی شرایط  
 چهارگانه که سبب واصلی آن بود  
 عماداً و عماداً و از روی قش مسین  
 از طرف دولت پیشین را برگرداند  
 اهمیت جانش استاضاوسیم  
 پس معلوم میشود در اثر این  
 نیست در انحصار کار از محسوس که  
 ملا درجهان ممول است پیشتر میشود  
 قرار میشود که محیط و شرایط کار تاکنون  
 موفق ایجاد آنها شده است و فقط  
 شرایط و محیط جدید کار استاضا  
 است که متوجه چنین نوسمی غلب  
 الهامه و اعلی ساید  
 در حقیقت نسیم این نوسمی  
 جدید اقتصاد جامعه نوسه پیدا نوده  
 و معمولات در روز و در جامعه فراوان تر  
 میشود و بنا بر این اشکال دولت مصرف  
 داتما کمتر شده و با محتاج مردم بهتر  
 در دسترس آنها گذارده خواهد شد  
 همین موضوع باعث میشود که اصول  
 سوسیالیسم که منتهی بر آسایش و نسکین  
 عمومی است وطن آن باید با حداقل  
 کارند اگر استاضاوسیم از طرف  
 کرده تا کارگران فرصت کافی برای  
 ترحیم نسیم و روسی و نوسه معاش  
 معلومات موش داشته باشد پیشتر  
 یافته و دستا به تکامل موش رسد  
 علاوه بر این نوسه این پست  
 باعث میگردد که اختلاف کاروسی و  
 مگری که در جامعه کنونی ما حلی  
 و باقی می‌ماند و تفاوت بر طرف گردد  
 زیرا چون اصولاً این جنبش منتهی  
 شخصیت قابلیت مگری کارگران بوده  
 و لازمه آن تیغ و اشکال آنها را احاط  
 کار خویش می‌باشد در اثر پیشترت و  
 نسیم آن کار از وضعیت حشک فعلی  
 خود خارج شده و کارگران گمانا کنون  
 جزو آلات و ابزار ماشین و تابع وی  
 می‌باشند که کم خصصیت او دست رفته  
 خود را محسوس آورده و ماشین را در  
 دست خود گرفته و اراده آزاد خود را  
 بر آن احسن می‌نمایند و علاوه وقت  
 کافی که در نتیجه کم شدن ساعت  
 کار روزانه می‌توانند مایه باها فرصت  
 بالا برای معاش طولانی خود و برای  
 زنده شدن که کم کم همه کارگران  
 دارای معلومات کافی می‌گردند و اختلاف  
 کاروسی و مگری از بین می‌رود  
 همچنین نوسه کامل این جنبش  
 میزانه بقدری محمولات را در جامعه  
 فراوان می‌گذارد که نوسه آن نسکین باشد  
 بر پایه از افراد جامعه هر اندازه که  
 احتیاج دارد جنس و لوازم کافی داتما  
 با کم حدتکامل جامعه و از سوسیالیسم  
 هم بالاتر برده و خروجی های ترحیم  
 استاضاوسیم و از این پستی یکی از  
 علل است

### تعب نشینی ها و تلفات زاپرویا

چون تکلیف - فرار از این خبر  
 آزادی انگلیس اطلاعیه بود که  
 باقی است که زاپرویا برای اعرف  
 انگلیس معنی لابی مطبوعه آن واقع  
 ۱۲۰۰ مین فیل با خبری (کنوا)  
 همه مقاله می‌باشد و روزنامه  
 بیرونی پس مجدداً خبر داده  
 و از این رویدادها خبر می‌دهد و احتمال  
 دارد که در آینده نزدیک شهر  
 فرما ساید  
 چون تکلیف خبر گزافی انگلیس  
 در زمان ملامت به که روز آینه  
 روی هوای امریکا انگلیس انگلیس  
 گزافه است که انگلیس انگلیس انگلیس  
 است و پنج گزافی گویند و با این  
 در زمان ملامت زاپرویا ما در هر جا  
 (درمان) ساید برده و چنانچه از آنجا  
 ظاهر خبر نموده و ملی پرواز دیگر  
 بود گزافی حاش زاپرویا در نوسه  
 نسکین و مکتوبی مرق کرده و طی  
 انگلیس و از این خبر  
 در بود استاضاوسیم انگلیس  
 در بود استاضاوسیم انگلیس  
 از ساعت پست و با این ساعت  
 ۳۳ وقت و دقیقه استاضاوسیم (چ)  
 بود داده شد طبق این خبر که  
 بود استاضاوسیم سبب از طرف  
 شهر رفته شده و در خارج شهر  
 انحراف از مسیر بود که شب  
 (استاضاوسیم) روی داده است هنوز  
 معلوم نشده این همه بوسه هوای ما

### فولان آب دیده

فصل یکم  
 یکدم یکم آب زاشا قبل از تعالقات منزل من آمده بودید - درس  
 از سعید - من نشوید  
 برش مرد باریک نامی بود که بالا برش سید پوشیده و صلیب  
 نسکین نسکین آویخته و با هیبت حاسی شاکردانانیا می‌گردد  
 چهار مرد بر سر و شومر دستر آرس و کرز از روی نسکین ها شد  
 سوز چشوی دیر و شیطانی کشش روی آنها نوسه شد  
 کشش با دست به سترها اشاره کرد و گفت:  
 شاعرا نشینید  
 دستها مورا بسته و غمی آسوده کشیدند  
 چشمت پسر واصلی روی چهار دست بربیک فرسته شد  
 بوزچش می‌ایله چلو  
 پسر واصلی بنده ستر را کنار زد و یک راست پیش چها دست  
 کدام یکی از شای و پش و روها می‌گردد میکشید - هر چهار مرد  
 سر بر دادند  
 موزون کشش بیکسیم پنجون  
 موزون کشش برافروخته شد  
 سیکر نیکشید ۱۱ شرم‌ها پس نوی شیر کی نونون پشید

ک شش هر هاگردان طلب افاده جهت تعدیه امعان بتزل کشش وقت  
 نوی آذربخه با نظار کشش شسته بودند و قظظوت و میزایی پازر سزادار  
 و زکات میبایست سکه این کار کشش شسته بودند و او منشی نونون نوی شیر  
 کشش رفته است  
 واهی بول و از کلاس بیرون کرده آمد و منشی پنه معمره  
 نسکین مگر بول که ناچ روی خانه برود - ساندش چکوبه - ملزومیکه  
 از صبح تا شام دست کشیده و منزل رئیس تعیش شرکت آشپزی کردند و یکی  
 او را نسیم میکند و اینهمه نسبت بلو میبایست  
 ناگه گزافی بول و اگر نه بود  
 پس من حالا چهار نسیم - این کشش منون از من چه میبایست  
 چه که من نونون نوی شیر پشیدم - سزادار او را در دورد - او بود که  
 گشت تا نوی شیر این مردیکه نونون پشیدم - و چشیم - چالا میسراد هیچ چه  
 نسکین نوی مرا او میبایست بیرون میکند  
 دشمنی با پسر واصلی از معنی پیش شروع شده بود یکسکه بول  
 با میکشاد چکف دها کرده بود و او را از یکسکه نقد - ستر کرده و برای  
 اینکه مودع بول در کلاس نبود ستر شرایط نسکین او را سر کلاس نومردند  
 بول آمده و در کلاس نسکین معنی کلاس شست  
 مسلم لافر و باریک کت نسکین کن کرده بود و داشت واضح رسن و  
 ستارگان درس میباید  
 بول گوش میباید - مسلم میکند زمین میبایست است اسل وجود دارد  
 و تمام ستارگان که شبها در آسان - بهوشند هم حکام مثل زبیت اجرام  
 سزادی هستند  
 بول ماش برید بود - چشیم رفته خواست ایند شور و بگردد که در  
 کتلف این طرد نوشته شده ولی ترسید شطوبش بر تپه سانه

